

اهداف و استراتژی امریکا در منطقه خلیج فارس

قسمت ششم



نباید خطری که آنها را تهدید می کند دست کم بگیرند».

استراتژی سیاسی

امریکا از ترکیب استراتژی نظامی و سیاسی در منطقه خلیج فارس رسیدن به اهداف خود را تعقیب می نماید و در صدد حفظ سلطه سیاسی و کنترل رشته امور منطقه در دست خود است. حفظ سیاسی امریکا در منطقه منجر به حفظ سیادت سیاسی در جهان غرب و بقای موقعیت رهبری دنیای غرب برای امریکا می شود. زیرا سرنوشت آنها با خلیج فارس گره خورده و کسی که کنترل خلیج فارس را در اختیار داشته باشد کنترل جهان غرب را در اختیار خواهد داشت و پیش بینی می شود بدلیل وابستگی احتمالی شوروی به نفت خلیج فارس، امریکا بتواند موازنه قدرت در جهان را به نفع خود تغییر دهد.

توضیح این نکته ضروری است که استراتژی نظامی امریکا در منطقه تضمین کننده اجرای استراتژی سیاسی و نفوذ در منطقه بوده و استراتژی سیاسی نیز بنحویه خود تضمین کننده تهیه مکمل های استراتژی نظامی در منطقه خلیج فارس می باشد. رئیس فعالیت ها و اقدامات امریکا برای اجرای استراتژی سیاسی عبارت است از:

دکتر محمد رضا حافظ نیا

ناوهای مستقر در منطقه پیش بینی شده است زیرا اروپا و امریکا و ژاپن و بسیاری از کشورها به آزادی عبور نفت از تنگه هرمز وابسته هستند».

سخنگویی وزارت خارجه امریکا نیز در مقابله با ایران اعلام کرد:

«هرگونه حمله ای به کشورهای دوست امریکا در خلیج فارس، تهدید عمده ای علیه منافع امریکا بحساب می آید».

بوش رئیس جمهور امریکا طی مصاحبه ای اعلام داشت:

«دولت من همانگونه که شبوه کار هر رئیس جمهوری از پرزیدنت روزولت تا پرزیدنت ریگان بوده است، خود را به امنیت و ثبات خلیج فارس متعهد می داند».

واشنگتن پست می نویسد:

«بهتر است ریگان بجای ابراز نگرانی از خطر شوروی توجه خود را به خطری معطوف دارد که از سوی ایران می آید... امریکائی ها و اسرائیلی ها

اهداف و استراتژی امریکا در منطقه خلیج فارس

همانطور که گفته شد یکی از اهداف اتخاذ استراتژی نظامی امریکا، تقابل با جمهوری اسلامی ایران است و بدین لحاظ امریکا اقدام به ایجاد دو حلقه امنیتی در مقابل ایران نموده است، حلقه اول شامل کشورهای حوزه خلیج فارس و حلقه دوم که وسیع تر از اولی است شامل کشورهای حوزه دریای سرخ و شمال آفریقا، شرق آفریقا، اسرائیل و واحدهای نظامی شناور در دریای عمان و اقیانوس هند بمرکزیت جریره دیگوگارسیا می باشد.

بدنبال اتخاذ سیاست ایران در خصوص امنیت چاه های نفت منطقه خلیج فارس و اینسبرگر اعلام کرد:

«در صورتی که ایران بکوشد خروجی خلیج فارس را مسدود کند در طرح هائی، بمباران این کشور (بندر عباس و مراکز نظامی) با استفاده از

۱- محول کردن مسئولیت امنیت منطقه خلیج فارس و خطوط کشتی رانی نفت و کالا به خود، و القای این تصور و باور در حکام منطقه و دولت های غربی که تنها امریکا با نیروی دریائی خود می تواند امنیت را در منطقه خلیج فارس و سیستم حمل و نقل دریائی آن و تنگه هرمز و نیز در پهنه اقیانوس ها و تنگه های جهان حفظ نماید.

بیکر وزیر امور خارجه امریکا طی نامه ای به سران عرب در بغداد بر پنج اصل زیر تأکید نمود که خود مؤید این امر می باشد:

۱- پای بندی امریکا به آزادی کشتی رانی در خلیج فارس.

۲- پای بندی آمریکا به عبور آزادانه نفت از تنگه هرمز.

۳- حفظ حضور ناوگان دریایی آمریکا در منطقه بمنظور اجرای موارد مزبور.

۴- تهدید تلفی نشدن حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس برای کشورهای منطقه آن.

۵- ایجاد نگرانی برای آمریکا در صورت اتخاذ هرگونه تصمیمی از سوی سران عرب در خصوص کاهش حضور آمریکا در منطقه.

پروفسور مک لاکلان استاد جغرافیای دانشگاه لندن در مصاحبه ای می گوید:

«مهمترین هدف آمریکا از حضور این نیروها، اعمال فشار علیه ایران و انقلاب اسلامی در چهار چوب استراتژی کلی این کشور می باشد. آمریکا حاضر نیست موقعیت بسیار خوبی که از حضور نیروهایش در منطقه به دعوت کشورهای عربی خلیج فارس به دست آورده از دست بدهد، موقعیتی که حتی انگلیس نیز در دو قرن گذشته نداشته است.»

۲- جلوگیری از گسترش نفوذ رقبای در منطقه: آمریکا در سال ۱۹۸۷ م وقتی مشاهده کرد که کویت برای اسکورت کشتی ها از شوروی دعوت نموده است بلافاصله دست به کار شد و اجازه حضور به نیروهای دریایی شوروی را در منطقه نداد.

واین برگرد در توجیه هدف حضور نظامی آمریکا در منطقه گفت:

«هدف دیگر حضور نظامی، جلوگیری از نفوذ شوروی برای اسکورت کشتی ها در منطقه است.»

ریگان گفت: «نقش خود ما بسیار حیاتی است، نقش ما همراهی کردن کشتی هائی است که

برجم آمریکا دارند و این نقش ستی نیروی دریایی امریکاست... اگرها از پذیرفتن این وظیفه خودداری کنیم نقش خود را بعنوان یک قدرت دریایی نادیده گرفته ایم و فرصت را به شوروی داده ایم... بطور خلاصه اینکه اگر این کار را انجام ندهیم شوروی انجام خواهد داد.»

۳- به عهده گرفتن مدیریت اقدامات همگانی و بین المللی در حوادث خلیج فارس: این روش که نقش زیادی در حفظ موقعیت برتر آمریکا در منطقه دارد هم در جریان جنگ نفتکشها در سال ۱۹۸۷ و هم در جریان بحران تجاوز عراق به کویت در سال ۱۹۹۰ پیش گرفته شد و آمریکا در ذهن کشورهای جنوبی منطقه خلیج فارس و همچنین هم پیمانان غربی آمریکا بعنوان محور رفع خطر شناخته شده است و وسیع نظامی قدرت های جهانی به منطقه خلیج فارس به بهانه خروج عراق از کویت، عملاً رهبری عملیات نظامی مربوط به نیروهای اعزامی بیش از ۲۰ کشور جهان که بعضاً وابسته به اردوگاه شوروی نیز هستند را در منطقه خلیج فارس عهده دار شده است.

۴- به عهده گرفتن مدیریت و هدایت فعالیت ها و تلاش های مربوط به صلح اعراب و اسرائیل که از قبل آن نفوذ خوبی در کشورهای عربی و نیز اسرائیل برای آمریکا حاصل می آید و در ضمن هدف استراتژیک آمریکا در خاورمیانه یعنی حفظ امنیت و بقای اسرائیل نیز دستخوش گریشات سایر کشورها نمی شود.

۵- تلاش برای برقراری و توسعه روابط سیاسی با ایران بعنوان قدرت منطقه ای ضد امریکائی شمال خلیج فارس بمنظور کاهش

خصوصیت ها علیه خود در منطقه و نیز افزایش میزان نفوذ سیاسی، و نیز جلوگیری از چسبندگی ایران به شوروی.

۶- گسترش روابط با شوروی و متقاعد کردن آن کشور بر خودداری از بهره جویی از بحران های منطقه ای.

۷- تقویت شورای همکاری خلیج فارس در مقابل ایران و عراق و تقویت شورای مزبور و عراق در مقابل جمهوری اسلامی ایران.

۸- گسترش فعالیت های فرهنگی بر علیه اندیشه اصیل انقلاب اسلامی در کشورهای پیرامون ایران و نیز جهان اسلام از طریق حکومت سعودی در عربستان به وسیله پخش اندیشه وهابیت.

در خاتمه بیان شیوه های دستیابی به اهداف آمریکا در منطقه خلیج فارس که ریگان در اواخر سال ۱۹۸۱ در کنگره آمریکا اظهار داشت بی مناسبت نیست وی سیاست های آمریکا را در این زمینه به این شرح اعلام کرد:

۱- کمک به کشورهای متحد در منطقه.

۲- افزایش بنیه دفاعی و اقتصادی کشورهای منطقه.

۳- افزایش حضور نظامی آمریکا در منطقه.

۴- به نمایش گذاشتن نقش آمریکا در حمایت از امنیت منطقه.

۵- توسعه تلاش های صلح آمیز در مناقشات اعراب و اسرائیل.

۶- تقویت روابط تجاری، مالی، اقتصادی و همکاری تکنولوژیکی با کشورهای منطقه.

۷- توسعه روابط فرهنگی با ملل منطقه.

ادامه دارد

توبه جوان

رسول اکرم «ص»:

«التَّوْبَةُ حَسَنَةٌ لِّكُنْتُمْ فِي الشَّبَابِ أَحْسَنُ.»

(مجموعه وزام- ج ۲ ص ۱۱۸)

توبه از گناه، همیشه پسندیده است ولی در سنین جوانی بهتر و پسندیده تر است.